ایران

آیا بازار قدیمی فرش تهران رو به فراموشی می رود؟

نبض خریداران فرش در دست هایپرفرش ها

محمد معصومیان
گزارش نویس

بازار قدیمی فرش تهران آدم را یاد خانه‌های قدیمی می‌اندازد همان‌قدر خاک‌خورده اما جذاب؛ پر از رنگ‌هایی که دیگر کمتر جایی به چشم می‌خورند؛ قرمز لاکی، سفید براق ابریشمی و سبز کله‌غازی؛ با مغازه‌هایی که وقتی از پشت پنجره به داخل آنها خیره می‌شوی فکر می‌کنی زمان روی سال ۱۳۴۰ شمسی گیر کرده است. فروشندگانی پیر و کم‌حوصله و گاهی خوش‌صحبت با لهجه بازاری‌های قدیم تهران که یکدیگر را می‌شناسند. اینجا نه از زرق و برق فروشگاه‌های هایپر فرش خبری است و نه از نورهای متمرکز که رنگ را چند برابر به چشم می‌آورد؛ فروشگاه‌هایی که این روزها با اقساط بلندمدت و متمرکز کردن برندهای مختلف کار را برای خرید راحت‌تر کرده‌اند. سری به بازار قدیمی فرش تهران زدیم تا از زبان کسبه قدیمی آن بشنویم که این هایپرها و فروشگاه‌های جدید چه تأثیری روی بازار آنها گذاشته است؟ آیا آنها هم مانند بقالی‌های قدیم قربانی افزایش هایپرمارکت‌های زنجیره‌ای می‌شوند؟

از مترو خیام که بیرون بیایید چند قدم آنطرف‌تر سردر بزرگ بازار فرش قدیم تهران را می‌بینید. وقتی پا را داخل محوطه بزرگ آن می‌گذارید همه تصاویر اطراف مانند خیل موتورهای پارک شده و سروصدا و دود جای خود را به رنگ و نقش می‌دهد. گوشه دیوارها، روی گاری‌های کوچک یا روبه روی حجره‌ها همه جا پر از فرش‌های کوچک و بزرگ است؛ شبیه موزه‌ای خاک گرفته و فراموش شده. مغازه‌ها با دکورهای چوبی قدیمی، شیشه‌های بزرگ با قاب‌های آهنی آدم را یاد عکس‌هایی از تهران قدیم می‌اندازد.

محمد بهروزی به قول خودش ۷۰ سال است در بازار تهران کار می‌کند، حجره بزرگی دارد که از دیوار و درش قالیچه های دستباف آویزان است و یک محوطه ۱۰۰ متری هم زیر مغازه دارد پر از فرش‌هایی با طرح و نقشه‌های متنوع اما آن طور که می‌گوید دیگر مانند گذشته مشتری ندارد. پیرمرد همینطور که با همکاران شوخی می‌کند از روزگاری می‌گوید که وقت سر خاراندن نداشتند: «آنقدر عدل می‌بستم که جا نداشتیم. سابق ۴۰ تا کارگر داشتم اما حالا عموم مردم دیگر آن نگاه گذشته را به فرش ندارند. همه می‌خواهند یک تکه فرش ماشینی بگذارند زیر پا که با دکور خانه جور در بیاید و لابد در خانه بعدی و دکور بعدی آن را یک سوم قیمت می‌فروشند و فرش جدید می‌خرند.» او که از ۹ سالگی در بازار کار می‌کند می‌گوید: «ما اینجا به مردم بهترین فرش را می‌فروشیم و می‌گوییم ببر اگر تا یک ماه بعد هر کارشناسی گفت این قالی آنقدر نمی‌ارزد، برگردان. کدام این فروشگاه‌های جدید این کار را می‌کنند؟» او از قول یکی از دوستان قدیمی می‌گوید که حالا در کشوری خارجی کارخانه فرش ماشینی دارد و تعریف کرده که مردم یک فرش می‌خرند و تا به شست‌وشو برسد می‌فروشند و نو می‌خرند چون قیمت شست‌وشو بیشتر از یک فرش نو است. داخل مغازه، مشتری مشغول قیمت گرفتن قالیچه‌های دستی است، قیمت‌ها از ۲۰ و ۳۰ میلیون است و کاملاً مشخص است که چرا یک نفر با درآمد متوسط نباید در این مغازه پا بگذارد.

وارد مغازه دیگری می‌شوم که مردی با موهای سفید مشغول حرف زدن با تلفن است، تعارف می‌کند روی صندلی پر نقش و نگاری بنشینم. به فرش های زیبای دستبافتی که به دیوار آویزان شده خیره می شود. او معتقد است فروشگاه‌های جدیدی که این روزها بازار قالی را متحول کرده‌اند در حال انجام کار حرفه‌ای هستند و همه جای دنیا به این روش کار می‌کنند: «طبعاً آنها یکی از دلایلی هستند که این بازار از رونق بیفتد. اینکه چرا مردم فرش دستباف نمی‌خرند هم طبیعی است با این قیمت‌ها کمتر کسی سراغ این فرش می‌آید. این کار با این شکل و شمایل دیگر پیر شده است. شما به همین مغازه من نگاه کن خوب معلوم است مشتری داخل نمی‌آید اما ما هم به این وضع عادت کرده‌ایم. جوانان دیگر وارد این کار نمی‌شوند و مثل سابق هم درآمد ندارند.» او که یک‌بار به فروشگاه‌های مدرن فرش رفته معتقد است طبیعی است که مردم آنجا را ترجیح بدهند: «طرف خرج کرده است وام میلیونی گرفته، پارکینگ دارد، قهوه و چای می‌دهد و مردم می‌توانند راحت انتخاب کنند. خود من که سال‌هاست در این کار هستم وقتی رنگ و نور آنجا را دیدم لذت بردم.» او اعتراف می‌کند که این بازار با همه زیبایی می‌تواند با یک سرمایه‌گذاری و نقاشی و نورپردازی حسابی پر رونق شود اما کسی حوصله ندارد.

> “
> این حجم از تبلیغات که همه جا می بینیم روی مردم تأثیر می گذارد، اما ما اینجا واحدهای جدا و کوچکی هستیم و قدرت تبلیغات در آن سطح را نداریم. مسأله مهم دیگر که شاید مردم ندانند این است که دیگر مثل سابق اختلاف قیمت فرش ماشینی و دستباف زیاد نیست و ما هم فروش شرایطی داریم. از طرفی فرش دستباف همیشه پول است و هروقت بیارید در بازار حتی اگر مال ۱۰۰ سال پیش باشد بالاخره قیمت به روزی دارد

از دالان کوچکی می‌گذرم که متصل به محوطه دیگری است و آنجا هم بورس فرش است. بالاخره جوانی را می‌بینم که پشت دخل نشسته و از دیوار مغازه چند فرش طرح ترکمن و کاشان آویزان است. جواد تعریف می‌کند که دیگر کار مانند گذشته نیست و مردم هم کمتر به خرید فرش دستباف گرایش دارند: «مشتری‌ها دو مدل هستند؛ یک مدل که در بازار آشنا دارند و با واسطه و اعتماد می‌آیند خرید می‌کنند و یک دسته دیگر که آشنا ندارند و قسطی خریدن برای آنها راحت‌تر است و به بازارهای امروزی می‌روند.» جواد معتقد است دیگر مانند گذشته مردم به فرش مانند هنر نگاه نمی‌کنند. فرش برای بیشتر مردم کالا شده که یک روز خراب می‌شود: «الان بیشتر مردم به رنگ و نقش نگاه می‌کنند که در فرش ماشینی هم متنوع‌تر است. امروز مردم تجمل‌گرا شده‌اند و شیک بودن مسأله اصلی است.» او از فرش کاشان و اردکان می‌گوید که مانند فرش تبریز قیمت بالایی ندارد و مردم عادی در گذشته استقبال بیشتری از آن می‌کردند اما آن طرح‌ها به علت به روز نشدن دیگر برای مشتری جذابیت ندارد.

از محوطه می گذرم و وارد میدان سرپوشیده دیگری می‌شوم. دالان‌های تنگ و نور شکسته آفتاب روی دکور مغازه‌های قدیمی رنگ جذابی به بازار می‌دهد. کنار چند مرد که مشغول باز کردن قالی‌ها و عکس گرفتن از آنها هستم می‌ایستم و از زیبایی قالی‌های دستباف لذت می‌برم. سرحرف را باز می‌کنم و می‌پرسم آیا رونق گرفتن فروشگاه‌های بزرگ فرش تأثیری روی بازار آنها داشته است؟ همه می‌گویند قطعاً تأثیرداشته است اما چند نفری که در کار تجارت فرش به کشورهای خارجی هستند نظر خاصی ندارند چون بازار هدف آنها فرق می‌کند. یکی از آنها می‌گوید: «من فکر می‌کنم بالاخره این حجم از تبلیغات که همه جا می‌بینیم روی مردم تأثیر می‌گذارد، اما ما اینجا واحدهای جدا و کوچکی هستیم و قدرت تبلیغات در آن سطح را نداریم. مسأله مهم دیگر که شاید مردم ندانند این است که دیگر مثل سابق اختلاف قیمت فرش ماشینی و دستباف زیاد نیست و ما هم فروش شرایطی داریم. از طرفی فرش دستباف همیشه پول است و هر وقت بیارید در بازار حتی اگر مال ۱۰۰ سال پیش باشد بالاخره قیمت به روزی دارد.» اما رساندن این حرف‌ها به گوش مردم در هیاهوی تبلیغات فراوانی که فروشگاه‌های بزرگ راه انداخته اند کار راحتی نیست. از طرفی آن طور که خود بازاریان می‌گویند بهتر است برای خرید فرش دستباف یک کارشناس خبره به همراه داشته باشید تا خرید مناسب و باکیفیتی داشته باشید.

در راه برگشت در ایستگاه مترو خیام به هر طرف نگاه می‌کنم تبلیغات و آگهی فروشگاه‌های بزرگ فرش است اما دریغ از حتی یک نشان کوچک از حضور بازاری به این بزرگی و رنگارنگی در چند قدمی مترو.

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ یکبار دیده شود

۳۸۰۴

آسان

	۱		۴	۶		۷		
	۷			۸	۲		۵	
۶		۸						۱
۲			۷			۱	۹	
	۵	۹		۲		۶	۳	
	۸	۷			۹			۴
۸						۲		۹
	۹		۲	۷			۱	
		۲		۴	۱		۶	

متوسط

۵		۳	۴					
	۲		۹	۳		۵		
	۷	۱	۸		۵	۹		
۲								۶
	۳		۶		۸		۴	
۷								۱
		۷	۲		۶	۱	۹	
		۲		۹	۱		۸	
					۳	۲		۵

سخت

			۸	۹				۶
۸						۹	۲	۱
۷	۹				۴			
۶		۲		۳				
	۵						۳	
				۶		۴		۸
			۲				۶	۴
۵	۲	۳						۷
۴				۵	۷			

خیلی سخت

	۶							۷
				۷		۴		
۹		۲		۴			۳	
			۳	۶		۱		
۸				۹				۴
		۷		۵	۱			
	۱			۲		۳		۵
		۸		۳				
۷							۹	

حل جدول سودوکو شماره ۳۸۰۴

آسان

۹	۱	۵	۴	۶	۳	۷	۸	۲
۴	۷	۳	۱	۸	۲	۹	۵	۶
۶	۲	۸	۵	۹	۷	۳	۴	۱
۲	۶	۴	۷	۳	۵	۱	۹	۸
۱	۵	۹	۸	۲	۴	۶	۳	۷
۳	۸	۷	۶	۱	۹	۵	۲	۴
۸	۴	۱	۳	۵	۶	۲	۷	۹
۵	۹	۶	۲	۷	۸	۴	۱	۳
۷	۳	۲	۹	۴	۱	۸	۶	۵

متوسط

۵	۹	۳	۴	۱	۲	۶	۷	۸
۶	۲	۸	۹	۳	۷	۵	۱	۴
۴	۷	۱	۸	۶	۵	۹	۳	۲
۲	۸	۹	۱	۷	۴	۳	۵	۶
۱	۳	۵	۶	۲	۸	۷	۴	۹
۷	۴	۶	۳	۵	۹	۸	۲	۱
۸	۵	۷	۲	۴	۶	۱	۹	۳
۳	۶	۲	۵	۹	۱	۴	۸	۷
۹	۱	۴	۷	۸	۳	۲	۶	۵

سخت

۲	۳	۵	۸	۹	۱	۷	۴	۶
۸	۶	۴	۳	۷	۵	۹	۲	۱
۷	۹	۱	۶	۲	۴	۳	۸	۵
۶	۴	۲	۵	۳	۸	۱	۷	۹
۱	۵	۸	۷	۴	۹	۶	۳	۲
۳	۷	۹	۱	۶	۲	۴	۵	۸
۹	۱	۷	۲	۸	۳	۵	۶	۴
۵	۲	۳	۴	۱	۶	۸	۹	۷
۴	۸	۶	۹	۵	۷	۲	۱	۳

خیلی سخت

۱	۶	۴	۹	۸	۳	۲	۵	۷
۳	۸	۵	۶	۷	۲	۴	۱	۹
۹	۷	۲	۱	۴	۵	۸	۳	۶
۵	۲	۹	۳	۶	۴	۱	۷	۸
۸	۳	۱	۲	۹	۷	۵	۶	۴
۶	۴	۷	۸	۵	۱	۹	۲	۳
۴	۱	۶	۷	۲	۹	۳	۸	۵
۲	۹	۸	۵	۳	۶	۷	۴	۱
۷	۵	۳	۴	۱	۸	۶	۹	۲

یک جدول با دو شرح

جدول روزنامه *ایران* دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

۷۷۷۳

جدول عادی

افقی:

۱-لامپ درون آن می پیچد-اندک وکم
۲- مشت تودهنی- مسلسل جنگی- ویرگول
۳- خودروی ایرانی- فال می گیرد- روستای «آدمک‌های سنگی»
۴-ازاعدادترتیبی-هنوزانگلیسی-حکومت آلمان‌نازی
۵-گوشت آذری-سالن قطار-موشک-عریان
۶-دیکته-بخت مساعد-نوعی پخت برنج
۷- مراد- فیلم «حسین دارابی»(۱۴۰۰) - مسافر سرزمین عجایب!
۸-رنگین کمان-فرزند مؤنث-اصرار
۹- دریاچه خوارزم-مادرزبان‌های اروپایی-قاتل درخت
۱۰- ضمیر متصل اول شخص جمع- دفع بلا می کند- آخرین شب پاییز
۱۱-صدمه-زیور-امضای گذرنامه-حرف روسی
۱۲- خط اسلامی- تلخ- سارق
۱۳- برد معروف- تمام و همگی- روانپزشک شهیر «سوئیسی»
۱۴- رودمرزی- گوهربی‌نظیر- پرتاب سنگ
۱۵-اشتباه براثرغفلت-فرستادن

عمودی:

۱-شتردار-سلسله تاریخی کشورمان
۲- نقل قول- فهمیدن- روش
۳-شاهزاده-جمع رکن-جشنواره فیلم «پاکستان»
۴- خودرو- کلاسور
۵-صحبت دوستانه-ثروت-نوعی محصول تابستانی
۶- مساوی- قدم‌های بزرگ- فطری وذاتی- عددگلر
۷- نام پسرانه- از خصوصیات عالی اخلاق انسانی- مقیلس
۸-شیرینی شاخه‌ای-بی سلیقه-تیره شده
۹- جرب- نوعی مبل- پیمان.... باعث پایان یافتن جنگ جهانی اوّل شد
۱۰- فتنه- افزونه پول- ازجنس نی- تیم فرانسوی
۱۱-براق کننده کفش-چسبناک -بخاردهان
۱۲- گله گزاری- دوره دبستان
۱۳- آهنگ نظامی- دلبرومحبوب- بهابازار
۱۴- درس نخوانده- شبان- آنچه درشب بدرخشد
۱۵-بیماری نرمی استخوان-میوه سخت پوست

جدول ویژه

افقی:

۱- نوعی کشتی هوایی- شاهکار «اُ. هنری»
۲- آمادگی زمین برای زرع- فیلم «داوود موثقی»- درختی بابرگ‌های پنجه‌ای
۳- رنگ قرمز قالیچه- در آرزوی فرزند- ورزشکاری درون استخر
۴-گلابی-ضمیربیگانه-شیشه تراشدار
۵-محبت-پرورنده-ورزشی محبوب-فرمانده بدن
۶-کشورآفریقایی-معتقدبه چیزی-دیوارمحکم
۷- اصطلاحی درفوتبال- بانگ وفریادکردن- رؤسا
۸-مرض-نیستی-دودکش
۹- کارامید- شکل هندسی- ازتوابع شهرستان درمیان
۱۰- یک دوم هرچیز- راحت و آسوده و دررفاه- نتیجه دهنده
۱۱-نفس دردمند-فلزمایع-پادشاه کمیاب-حرف جمع
۱۲- وجود داشتن- ضمیرجمع- سؤال کننده ازمظنون یا متهم
۱۳-باعقیده واحد-زادگاه عطار-مدافع «پرسپولیس»
۱۴-قسمتی ازتخم مرغ-شاه کیانی-نومیدی
۱۵-اثر «ویلیام شکسپیر»-زمزمه کننده

عمودی:

۱-فیلمی به کارگردانی «ارسلان امیری» (۱۴۰۰)-شبکه‌بندی
۲-نتیجه یک عمل-ترازکردن حساب‌های مالی-کرایه
۳-قشون-بزرگواری‌ها-پیروزشدن
۴-روزهای انقلابی-سنگ‌های گرانبها
۵-یکی ازضمایرشخصی پیوسته- مته برقی- استادیوم «کره‌شمالی»
۶-خودروی جمعی-شهری در «اسپانیا»-ضد «بیرون»- دوطرف دهان زیرگونه‌ها
۷-درخواست‌های حقوقی-کفن-قدیمی
۸-مراد-مدفن مولوی-درجه‌دار
۹-جایز-اتاق بلندوبسیاروسیع-نامراد
۱۰-همان بس-توانایی-پرنده فرخنده فال-اطراف دهان
۱۱- میوه تابستانی- گریستن بر مرده- شهری در استان کرمان
۱۲-انس گرفته-حجار
۱۳-گورکن-رواج دادن-کشوری در آفریقای مرکزی
۱۴-تحفه سبزدرویش-تلخی-دوری ازیار
۱۵- اثری ازدوره ساسانیان در دامغان- یک بیماری خونی وارثی

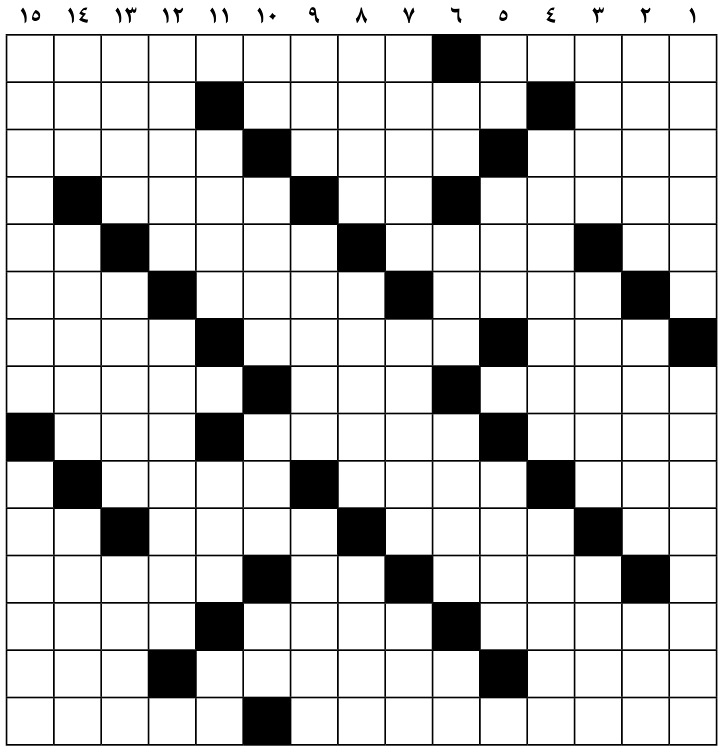

حل جدول عادی شماره ۷۷۷۲

	۱	۲	۳	٤	٥	٦	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱٤	۱٥
۱	خ	ا	ل	ی	ب	ن	د	■	چ	ن	گ	و	ص	ل	ح
۲	ا	ش	و	ب	■	ا	ک	ی	د	■	چ	ا	ل	و	س
۳	ن	ش	ر	■	ا	ف	ت	ت	ا	ح	■	ر	ح	ل	ی
٤	و	ی	ل	ا	ن	■	ر	ی	■	ب	ت	ی	■	ا	ن
٥	ا	ر	■	ر	ز	م	ی	■	م	ی	ر	ز	ا	■	ا
٦	د	■	ر	چ	و	ع	■	د	ر	ب	ا	■	ک	ا	ه
۷	ه	ج	و	■	ا	ل	ه	ا	م	■	ب	د	ی	ه	ی
۸	■	م	م	ر	■	ق	ا	م	و	س	■	ا	د	ا	■
۹	ق	ی	ا	م	ت	■	ش	ا	ز	ن	د	■	ن	ر	خ
۱۰	ل	ع	ن	■	م	د	و	ن	■	گ	ی	ن	ه	■	و
۱۱	ع	■	ی	ا	ش	ا	ر	■	گ	ر	و	ه	■	ن	ش
۱۲	ه	ن	■	م	ک	ش	■	ب	ل	■	ا	ر	و	ا	ح
۱۳	ش	ا	س	ی	■	ت	ل	ن	ب	ا	ر	■	ب	ه	ا
۱٤	و	ز	ا	ر	ت	■	ی	ا	ر	ی	■	ش	ک	ی	ل
۱٥	ش	ا	ل	ی	ز	ا	ر	■	گ	ل	م	ح	م	د	ی

حل جدول ویژه شماره ۷۷۷۲

	۱	۲	۳	٤	٥	٦	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱٤	۱٥
۱	پ	ا	پ	ی	ر	و	س	■	چ	ی	م	ز	و	ا	ن
۲	ا	و	ا	ر	■	ا	ه	ا	ن	■	ر	و	ب	ن	ا
۳	ر	س	ش	■	د	ر	و	ن	ب	ر	■	ن	ا	د	م
٤	ا	ت	ا	ب	ک	■	ل	گ	■	س	س	ک	■	ک	ا
٥	م	ا	■	د	ا	ش	ت	■	ک	ت	ا	ن	ی	■	د
٦	ت	■	ز	ی	ر	ا	■	ب	ا	ن	ی	■	ا	ج	ر
۷	ر	ج	ل	■	ت	ن	ظ	ی	م	■	ش	و	ر	و	ی
۸	■	و	ا	ج	■	ه	ر	ک	و	ل	■	ی	ا	د	■
۹	چ	ا	ل	ا	ک	■	ا	س	ا	م	ی	■	ن	و	ش
۱۰	ش	ن	ی	■	م	خ	ف	ی	■	س	ک	ت	ه	■	و
۱۱	م	■	ه	م	د	س	ت	■	ر	ی	م	ل	■	ه	ا
۱۲	ب	خ	■	م	ی	خ	■	ه	ی	■	ی	ا	س	م	ن
۱۳	ب	ی	ا	ن	■	س	ر	ا	و	ا	ن	■	و	ا	ت
۱٤	ر	ا	ک	و	ن	■	ا	ن	ا	ر	■	ی	س	ن	ا
۱٥	ی	و	و	ن	ت	و	س	■	س	ا	ل	ا	و	ا	ن